

وقایع افغانستان از 2001 تا 2014 میلادی

(بخش 50)

افغانستان هم تولید کننده و هم مصرف کننده مواد مخدر

یک منبع جامعه مدنی نوشت: " بنابه آمار نهاد های جامعه ی مدنی، بیش از هفتاد هزارمعتاد {تنها} در ولایت هرات زنده گی میکنند که بیشتر این افراد جوانانی هستند که در دوران مهاجرت معتاد شده و به کشور بازگشته اند و در هرات اسکان گزیده اند..." (201) و قرار اظهار دکتر نصرالله نعیمی مسوول شفاخانه {بیمارستان} ولایت غزنی، به تعداد هشتاد هزارمعتاد در ولایت متذکره بسر میبرند. وی، ضمن یک گفت و گو با خبرگزاری " آوا"، نگرانی اش از افزایش تعداد معتادان در آن ولایت را پنهان نکرده گفت که در سال 1390 خورشیدی، سه صد و هفتاد نفرمعتاد را تحت معالجه قرار داده بود، ولی ظرف یکسال، یعنی در سال 1391 خورشیدی، این تعداد به پنجصد نفرافزایش یافت. این درحالی بود که برخ دیگری از راپورهای منابع بین المللی، تعداد معتادان در افغانستان را به بیشتر از یک ملیون نفر تخمین میکردند. نشر گزارشهای تصویری (تنها از گوشه و کنار شهر کابل) صدها افغان معتاد اعم از پیرو جوان را بحالت بسیار دردناک روی خیابانها، زیر پلها و کنار معابر، در میان ویرانه ها و مکانهای کثیف و خاک آلود نشان میداد که قسماً در وضع بیحالی و بی رمقی و قسماً بصورت جمعی یا تنهایی در حال دود کردن یا تزریق کردن مواد مخدر میبودند و همه آنها از فقر، بی روزگاری و عدم توجه مقام های دولتی بحال خویشتن سخن میگفتند.

نشریه " تروریسم فوکس " که متعلق به بنیادِ جیمز تاون میباشد، نگاشت که : " کشت خشخاش در حالیکه برای افغانان عادی چیزی جز تکرارِ زندگیِ بخور و نمیرِ فنودالی نیست، شبکه های جنایتکاران و تروریست را تمویل میکند... مواد مخدر همچنان کمکی است به جنگ سالارانِ محلی به شمولِ برخی از متحدانِ نامنهادِ کابل در جنوب شرق افغانستان... در حالیکه طالبان مترصدِ اشغالِ مناطقِ بیشتری هستند، شدتِ عملِ علیه مواد مخدر چنین اتحاد هایی را به مخاطره می اندازد " (202)

یک عضو " بنیاد جیمز تاون " گفته است که : " جنگ سالارانِ محلی خوبیهای نظام موجود را نمی بینند. همه میخواهند امروز پولدار شوند، چراکه فکر میکنند این نظام فردا به کلی از میان خواهد رفت... "

سازمان ملل نیز در یکی دیگر از گزارش های خود چنین نوشت : " افغانستان برای تبدیل شدن به یک دولتِ مواد مخدر در معرضِ خطرِ بزرگی قرار دارد. هیرویین تنها افغانستان را ویران نمیکند، موادِ مخدرِ افغانی، بی ثباتی را به ترتیب، در آسیای مرکزی، بلوچستان و کردستان، افریقای شرقی، قفقاز و بالکان دامن میزند... مواد مخدر همچنان بعنوان منبع درآمد غیر قانونی، برای جرایم سازمان یافته و تکیه گاه مالی تروریسم خدمت میکند. " (203)

و بالاخره، دکتر پیر آرنود چووی از مرکز تحقیقات علمی فرانسه در یک تحلیل خاص گفت که : " در واقعیت، زمان درازی است که تریاک در کشمکش های مسلحانه در افغانستان مورد استفاده قرار گرفته است و تجارتِ آن اجازه داده تا این کشمکشها گسترش یابد. در چنین حالتی، ارزشِ مناطق، متناسب با مقدارِ تریاک که نیروی مسلط از آن به دست می آورد، خیلی افزایش می یابد... " (204)

بد نیست در همینجا، فشرده ای از یک گزارش خاص را درج نماییم که از طریق وبسایت " جاودان" به نشر سپرده شد: " گزارش از ولایت هلمند میرساند که قوت‌های خارجی در اواسط ماه عقرب 1391 در جلساتی که با والی و ریاست به اصطلاح مبارزه علیه مواد مخدر آن ولایت داشتند، نقشه‌هایی را برای آنها پیشکش مینمایند که در آنها ساحات کشت کوکنار مشخص گردیده است. طبق این نقشه در ولایت هلمند دونوع زمین تحت کشت کوکنار قرار دارد و مجموع این زمین‌ها به شصت و سه هزار هکتار میرسد؛ نوع اول آن، زمین‌های شخصی افراد است که در آنها کشت کوکنار صورت میگیرد که در مجموع حدود هجده هزار هکتار را احتوا مینماید و در نقشه بنام ساحات سبز نشانی شده است. نوع دوم زمین‌های دولتی است که برای کشت کوکنار غصب گردیده و مجموع آن چهل و پنجهزار هکتار زمین میباشد. قوت‌های خارجی به والی و رییس مبارزه علیه مواد مخدر آن ولایت گفته‌اند، شما صرف در ساحات سبز که در نقشه مشخص گردیده میتوانید کشت کوکنار را تخریب کنید. ساحات سبز نشانی شده در نقشه، عبارت از کشت کوکنار در زمین‌هایی میباشد که در ملکیت اشخاص قرار دارد. همچنان به آنها گفته شده است که نباید کشت کوکناری که در زمین‌های غصب شده صورت گرفته تخریب گردد. خارجی‌ها، دشت کلانی را در ولسوالی مارجه و ناوه معروف به " لوی دشت " نشانی کرده و برای پولیس گفته‌اند در صورتی که پولیس برای تخریب کشت در دشت مذکور عملیات را آغاز کند با واکنش قاطع آنها رو برو میشود... " (205)

به سلسله نشست‌ها و اقدامات رسمی کشورهای منطقه بخاطر جلوگیری از کشت و قاچاق مواد مخدر، بازهم نماینده‌های چهار کشور منطقه (افغانستان، تاجیکستان، روسیه و پاکستان) در اخیر ماه سپتمبر سال 2012 میلادی در شهر دوشنبه پایتخت تاجیکستان گرد آمده و پیرامون جست و جوی راه‌های جلوگیری از ادامه این تجارت مرگ، به مذاکره پرداختند. ویکتور ایوانوف " مسوول اداره مبارزه با مواد مخدر روسیه طی این نشست اظهار داشت که

" با خروج نیرو های بین المللی از افغانستان، قاچاق مواد مخدر افزایش خواهد یافت و اگر در هر چهار کشور همسایه علیه مواد مخدر مبارزه صورت گیرد، به مبلغ پنجصد میلیون دالر نیاز است . . . پانزده تا بیست هزار تن مواد مخدر همه ساله در افغانستان تولید میشود، پس کسی باید مسوولیت نا بودی آنرا به عهده داشته باشد. .. در حال حاضر، پنج میلیون تن در این کشور به مواد مخدر معتاد هستند" (206)

وزیرمبارزه با مواد مخدر افغانستان گفت که : " مبارزه علیه این پدیده، تنها از سوی افغانستان امکان ندارد و باید در این مورد، جهانیان اقدام کنند." (207)

اینهمه مشکلات درحالی وجود داشته است که به قول معاون بخش مبارزه با مواد مخدر وزارت امور داخله افغانستان که از طریق خبرگزاری بی بی سی در ماه مارچ 2013م به نشر رسید، " تنها در سال 1391 خورشیدی، بیش از سی و دو هزار عملیات علیه قاچاق بران مواد مخدر و مراکز تولید این مواد در سراسر افغانستان انجام شده که نسبت به سال قبل، 127 درصد افزایش یافته است . "، " درعین سال، چهارصد و شصت و نه تن انواع مواد مخدر کشف و ضبط شده و دوصد و سی و یک نفر در ارتباط با قاچاق مواد مخدر بازداشت شده اند که نژده نفر آنها خارجی ها میباشند. "

وزیرمبارزه با مواد مخدر افغانستان در میانه های ماه می سال 2013م طی یک کنفرانس مطبوعاتی اظهار داشت که " در سال جاری، ده قاچاقبر مواد مخدر در کشور شناسایی شده و برای دستگیری آنان تمامی تلاش ها جریان دارد. . در سال گذشته نیز ده قاچاقبر بزرگ مواد مخدر در افغانستان از سوی ماموران کشفی شناسایی شده، اما تا حالا هفت تن آنان بازداشت شده اند. . کشورهای منطقه و جهان نیز به هدف شناسایی باند های قاچاق مواد مخدر که از افغانستان زمینه انتقال را به سایر کشور ها فراهم میکنند، تلاشهای خود را چند برابر کنند، در غیر آن افغانستان قادر نیست به تنهایی در برابر باند های جهانی مبارزه نماید... "

برمبنای همین منبع، " ژان لوک لمایو" نماینده منطقه ای اداره مبارزه با مواد مخدر و جرایم مربوط به سازمان ملل، گفته است که " برای حفظ دستاورد ها در بخش مبارزه با مواد مخدر در افغانستان، جامعه جهانی نیز باید نقش خود را ایفا کند. { زیرا} ما واقعاً نگران هستیم که امسال برای سومین سال پیاپی، تولید مواد مخدر در افغانستان بیشتر میشود. یعنی دستاورد هایی که در گذشته به دست آمده بود از دست خواهد رفت. بعبارت دیگر، اقتصاد سیاه در افغانستان دو باره رشد خواهد کرد..."

باز، بتاريخ ششم ماه جون 2013 میلادی، وزیرمبارزه با مواد مخدر افغانستان غرض اشتراک در یک نشست بین المللی روی این معضله، به مسکو سفر نموده یکبار دیگر طی این نشست گفت که " مشکل مواد مخدر، منطقه ای و بین المللی است که افغانستان به تنهایی قادر به حل این مشکل نیست" وزیرمبارزه با مواد مخدر افغانستان از ولادیمیر پوتین رییس جمهور روسیه، خواهان همکاریهای جدی تر در این زمینه شد.

و آماري که موازی با این نشست بین المللی به نشر رسید، افشا کننده این موضوع بود که " طالبان در سال گذشته، مبلغ چهارصد ملیون دالر امریکایی از ناحیه کشت و قاچاق مواد مخدر بدست آورده اند."

شاید باساس تقاضا های رسمی وزارت مبارزه با مواد مخدر افغانستان مبنی بر تلاشهای مشترک علیه این بلای خانمانسوز بود که وبسایت " افغانستان – رو " بتاريخ بیست و پنجم ماه می سال 2013م از قول منابع روسی نوشت که " .. روز گذشته در شمال ولایت کندوز، چهار انبار مخفی مواد مخدر، طی یک عملیات وسیع، شناسایی و از بین برده شد..."

گفته شد که این عملیات بگونه مشترک میان نیرو های ویژه روسی و امریکایی انجام داده شد. چنانکه ویکتور ایوانوف رییس اداره خدمات فدرال کنترل مواد مخدر روسیه اعلام نمود که " این نهمین بار است که تخریب مواد مخدر با عملیات مشترک روسیه و امریکا در افغانستان صورت میگیرد. قابل یاد آوری است که چنین عملیات مشترک تخریبی علیه

انبار های مواد مخدر، در سال 2010 م نیز در ولایت ننگرهار به راه انداخته شد و منابع روسی در آن زمان گفتند که چندین دستگاه " پراسس " هیرویین را نابود کرده اند. جالب این بود که در آن موقع، حکومت افغانستان در برابر این عملیات مشترک در ولایت ننگرهار احتجاج نموده گفت که حکومت این کشور در جریان نبوده است .

مواد مخدر، منابع جهانی و سازمانهای تروریستی

بهمین سلسله باید افزود که علاوه از کم کاری و کم توجهی نیروهای خارجی در بخش تولید مواد مخدر در افغانستان که تا حال بگونه سؤال برانگیزی از کنار آن گذشته اند، سیاست های غلط توأم با ممانعت بی رویه حکومت کابل در برابر خونریزی های گروه طالبان، حمایت های بیدریغ و غالباً پنهانی مقام های پاکستان از این گروه، ترویج و گسترش کشت و تولید مواد مخدر، بخصوص در مناطق جنوب و جنوب غرب کشور و بالاخره، چشم پوشی کاخ سفید از پایگاه ها و مخفیگاه های تروریستان در خاک پاکستان و سایر اسباب و عوامل، موجب آن شد که نیروی طالبان مسلح و اعضای سازمان القاعده روز به روز فزونی گرفته با تاکتیک های جدید و سلاح های جدیدتره تنها به کشتارها و انفجارهای خونین در داخل خاک افغانستان ادامه دهند، بلکه با یورش ها و عملیات های نوع باصقین، حتا در روشنی روز بالای قلعه های زندان، بخصوص در شهر قندهار، صدها محبوس طالبی را نجات دهند. چنانکه آنها توانستند بتاريخ پنجم ماه ثور سال 1390 خورشیدی، با حفرتونل سه صد و پنجاه متری از داخل یک منزل رهائشی تا سلول زندان مرکزی " سرپوزه " شهر قندهار، آنهم تنها در یکشب، به تعداد پنجمصد و چهل و یک نفر زندانی را فراری دهند. این در حالی بود که گروه مذکور قبل از آن نیز در سال 2009 م با یورش ناگهانی بالای زندان مذکور، شلیک موشک، انفجار دادن موتر و تخریب دیوار زندان، به تعداد هشتصد تا نهصد زندانی را از بند برهانند.

یک راپور دیگر از منابع بین المللی را که هموطنی بنام " ح. بشارت " ترجمه و به نشر رسا نیده است ، در اینجا نقل میکنیم : " بعد از تجاوز و لشکرکشی امپریالیست ها به افغانستان در سال 2001 و اشغال کشور، کشت تریاک و تولید مواد مخدر و قاچاق، سیرسریع صعودی را پیموده و ده ها مرتبه افزایش یافت. کشت {و} تولید تریاک از 200 تن در سال 2001 به 2400 تن در سال 2002 رسید. این تزايد، افزایش 1700 فیصد تولید تریاک را نشان میدهد. در بین سالهای 2002 تا 2005 برای مدت سه سال، تولید تریاک در بین 4300 تن (حد اعظمی) و 3200 تن (حد اصغری) در نوسان است. اما این نوسان خصلت فزاینده دارد. مثلاً در سال 2005 تولید تریاک، 126 درصد نظر به سال 2002 افزایش یافته است . تولید تریاک در سال 2007 ریکارد تولید مواد مخدر کل جهان را می شکند. در سال 2007 تریاک افغانستان 8200 تن است که بر طبق احصائیة سازمان ملل، 7 برابر تولید تریاک در سراسر جهان میباشد... بر طبق این ارقام، در سال 2001 به اندازه کمتر از پنجصد هکتار زمین تحت کشت تریاک قرار داشت که یکسال بعدتر، یعنی در سال 2002 بیشتر از 55 هزار هکتار زمین تحت کشت تریاک قرار میگردد. این ، یک افزایش 11000 درصد را نشان میدهد" (208)

این نکته را نیز باید متذکر شد که در سال 2004م یکی از افسران پولیس قندهار بنام حبیب الله جان، مقدار دوصد کیلوگرام هیرویین را که گفته شد متعلق به " ولی کرزی" برادر حامد کرزی بود، از داخل یکی از کامیونها ضبط نمود و پس از آن نیز همین افسر پولیس، در برابر مستنطقین اطلاعاتی نیروهای امریکایی علیه برادر حامد کرزی شهادت داد. بهمین دلیل، افسر مذکور بعد از مدتی بگونه اسرار آمیزی نا پدید گردید و اصلاً منبعی سراغ نگردید تا پیرامون هستی وی استجواب بعمل آورد.

این اظهارات را یک گزارش دیگر به تاریخ چهارشنبه ششم ماه عقرب سال 1388 خورشیدی به نشر رسید و ترجمه آن در وبسایت " آریانانت" انتشار یافت، تصدیق میکند. گزارش چنین

بود : " احمد ولی کرزی که مظنون به دست داشتن در تجارت پُر رونق مواد مخدرکشوراست، از سازمان استخبارات امریکا در طول هشت سال گذشته به طور منظم حقوق و معاش دریافت کرده است. بنابراین گفته برخی از مقامات امریکایی، رابطه احمد ولی کرزی و سازمان سیا گسترده است. "

خبرگزاری بی بی سی در ماه اکتوبر 2014 میلادی از قول اداره تفتیش و بازرسی امور مالی امریکا در افغانستان (سیگار) نوشت که " با وجود مصرف هفت اعشاریه شش میلیارد دالر در راه مبارزه با مواد مخدر در افغانستان، میزان مواد مخدر در این کشور بیشتر از گذشته شده است. تولید مواد مخدر در افغانستان باعث فساد در دستگاه دولت، تقویت شبکه های تروریستی و فراهم سازی منابع مالی برای نیرو های مخالف دولت، از جمله، گروه طالبان شده است ... در سال 2013م 209 هزار هکتار زمین زیر کشت مواد مخدر بود که از ریکارد سال 2007م که ساحة زیرکشت به 193 هزار هکتار زمین میرسید، بیشتر است "

خبرگزاری مذکور باز هم از قول منبع "سیگار" علاوه نمود که : " ارزش مواد مخدر و تولیدات آن در سال 2013م به سه میلیارد دالر رسید، در حالیکه در سال 2012م { یکسال قبل از آن }، این مقدار به ارزش دو میلیارد دالر رسید که در حدود پنجاه درصد افزایش را نشان میدهد. " اما در عین حال، معاون وزارت مبارزه با مواد مخدر افغانستان در برابر یک پرسش گفت که : " باید از دولت امریکا پرسیده شود که حدود هفت میلیارد دالر را که آنها در راستای مبارزه با مواد مخدر در افغانستان مصرف کرده اند، توسط کدام نهاد و چگونه به مصرف رسانیده اند؟ حقیقت این است که بیشتر این پولها توسط نهاد ها و مؤسسات اجرایی مربوط به خود آنها به مصرف رسیده و با وزارت مالیه و دولت افغانستان در مصرف این کمکها مشورت نشده است ... در سیزده سال گذشته، تنها 150 میلیون دالر برای مبارزه با مواد مخدر توسط دولت افغانستان به مصرف رسیده است ... پولهایی که

توسط نهاد های امریکایی در افغانستان به مصرف رسیده، بیشتر آن، صرفِ مصارفِ اداری و حقوقِ کارمندانِ نهاد های اجرایی شده است و به دهاقینِ افغان نرسیده است . "

اداره (سیگار) همچنان طی تازه ترین گزارش خویش عنوانی وزارت امور خارجه ایالات متحده امریکا که وبسایت " امید وطن" آنرا بتاريخ اول ماه دلو 1393 خورشیدی بچاپ رسانید، راجع به وضعیتِ مواد مخدر و مصارفی که ظرف سیزده سال گذشته در افغانستان صورت گرفته است ، چنین نوشت : " ... تولید مواد مخدر در افغانستان باعثِ فساد در دستگاه دولت، تقویت شبکه های تروریستی و فراهم سازی منابع مالی برای نیرو های مخالف دولت از جمله گروه طالبان شده است ... با آنکه در مدت سیزده سال گذشته، مبلغ شش اعشاریه هفت میلیارد دالر برای مبارزه با مواد مخدر در افغانستان به مصرف رسیده، میزان تولید مواد مخدر در این کشور بیشتر از گذشته شده است ... در سال 2013 مقدار 209 هزار هکتار زمین زیر کشتِ مواد مخدر بود، در حالیکه ساحه زیر کشتِ این مواد در سال 2007 تنها 193 هزار هکتار زمین بود ... مواد مخدر و تولیدات آن در سال 2013 به 3 میلیارد دالر رسید، در حالیکه در سال 2012 این مقدار به ارزش دو میلیارد دالر میرسید که حدود 50 درصد افزایش را نشان میدهد ... "

آنچه در این میان بسیار جالب بود، این بود که به قولِ نشریه " امید وطن "، معاون وزیر مبارزه با مواد مخدر افغانستان گفته است که " باید از دولت امریکا پرسیده شود که حدود هفت میلیارد دالری را که آنها در راستای مبارزه با مواد مخدر در افغانستان مصرف کرده اند، توسط کدام نهادها و چگونه به مصرف رسانده اند؟ در حالیکه در سیزده سال گذشته، تنها 150 میلیون دالر برای مبارزه با مواد مخدر توسط دولت افغانستان به مصرف رسیده است ... "

با مطالعه هر آنچه تا اینجا گفته آمد، موضوع مربوط به کشت، پراسس و قاچاقِ مواد مخدر در افغانستان، بخشی از تجارتِ سود آور جهانی مافیای مادمخدر است که بقولی، میتوان آنرا "

اولیگارشی " جهانی نامید. یعنی، تجارتِ موادِ مخدر که در رأسِ آن " کمیته 300 " قرار دارد. این تجارتِ بزرگ در ردیفِ تجارتِ بزرگِ سلاح و نفت جا دارد و سر رشته اصلی آنرا قدرتمندانِ جهان که غالباً از نظرها پنهان اند، درکف دارند. بنابراین، نه حکومت های ضعیف، فاسد و دستنگرمانند حکومت حامد کرزی توانِ جلوگیری از این مصیبت جهانشمول را داشت و نه حکومت های غربی واقعاً در صدد جلوگیری و یا نا بودی چنین تجارتِ عظیم جهانی بودند و هستند. چنانکه طی صفحاتِ گذشته نیز تذکر رفت، نه تنها قاچاق و تجارتِ موادِ مخدر، بخصوص از قاچاق و فروشِ هیرویین و کوکائین در سراسر جهان را شبکه های اطلاعاتی قدرتمند کنترل و نظارت میکنند، بلکه مصارفِ سر سام آورِ مربوط به فعالیتهای جاسوسی شان را نیز از همین مدرک تکافو مینمایند. پس خوبی درک شده میتواند که چرا علی رغم همه گونه تبلیغات، اقدامات و ایجادِ تشکیلاتِ رسمی عریض و طویل، این تومورِ خبیثه از پیکرِ جامعهٔ بیمارِ افغانستان زودده نشد .

"جیمز کاسبولت " یکی از فعالانِ اطلاعاتی و دخیل در امورِ موادِ مخدر، کتابی به رشتهٔ تحریر درآورده و در آن، مَهراز سرِ بسا اسرارِ مگو برداشته است که وبسایتِ " حزبِ همبستگی افغانستان"، ترجمهٔ بخشهایی از کتاب را در ماه حوت سال 1392 خورشیدی به نشر رسانید که من نیز با استفاده از مطالبِ نشر شده در وبسایت مذکور، گوشه هایی از این افشاگری را بگونهٔ امانتدارانه در اینجا درج مینمایم :

"جیمز کاسبولت " در بخشِ پایگاه های نظامی زیرزمینی عمیقِ امریکا میگوید " از این نوع پایگاه ها در امریکا، 133 و در سطح جهان، 400 پایگاه وجود دارند که توسط سازمان امنیتِ ملی - ان.اس.ای کنترل میشوند. یکی از پروژه های شان به نام (پروژه مانکن) است. در این پروژه، مغزِ انسان برنامه ریزی میشود و انسان های شبیه ساخته میشوند..."

"جیمز" چنین ادامه میدهد: "شاید برای اکثر مردم، این نکته که تجارت جهانی مواد مخدر توسط سازمانهای استخباراتی کنترل و اداره میگردد، یک افشاگری باشد. در این تجارت جهانی مواد مخدر، استخبارات انگلستان بیش از همه حاکمیت دارد.. این بالاتراز تردید ثابت گردیده است که سی آی ای طی پنجاه سال گذشته، بخش اعظم مواد مخدر را وارد امریکا میسازد... ام. آی. 6 {شبکه استخبارات خارجی انگلستان} همیشه مواد مخدر را وارد انگلستان میکند. آنان فقط بخشی از این مواد را نه، بلکه گفته میتوانم که تخمیناً حدود نود فیصد مواد مخدر را وارد میکنند. تجارت جهانی مواد مخدر که توسط استخبارات انگلستان کنترل میشود، حد اقل سالانه پنجمصد ملیارد پوند ارزش دارد. این، بیش از تجارت جهانی نفت است و اقتصاد انگلستان و امریکا کاملاً برپول مواد مخدر متکی است ... در انگلستان، شست و شوی پول را از طریق بانک بارکلیز و بانک آف انگلستان و دیگر شرکت هایی با نام خانوادگی انجام میدهد..."

"جیمز" در جای دیگری از کتاب خویش مینگارد: "در سال 1987 که کواکین وسیعاً در امریکا مورد استفاده قرار میگرفت، بل کلتن رییس جمهور بعدی امریکا که گورنر ایالت آرکانزاس بود، با سی آی ای در این تجارت دست داشت و هر ماه معادل صد ملیون دالر کواکین از طریق میدان هوایی منا در این ایالت وارد میشد. . شبکه های استخباراتی همیشه دارو های مخدر کننده را به مثابه اسلحه ای علیه مردم بکار میبرند تا از این طریق به پلان طولانی مدت شان برای یک دولت جهانی، پولیس جهانی که نا تو باشد و یک جمعیت کمپیوتری شده تحت عنوان نظم نوین جهانی دست یابند."

وبسایت " حزب همبستگی افغانستان " در اخیرترجمه مطالب بالا افزود که " با مرور افشاگری های جیمز و ده ها کتاب و نوشته ای که در خصوص دخیل بودن دولت های امریکا و انگلستان در تجارت مواد مخدر به نشر رسیده اند، به آسانی میتوان نتیجه گرفت که یکی از دلایل اشغال افغانستان توسط این کشورها، تبدیل آن به مرکز تریاک جهان بود.

آنان از این طریق سود های چند صد ملیارد دالری به دست می آورند تا بحران شدید اقتصادی کشور های شان را رفع نمایند. این سیاست شیطانی، مردم افغانستان را به سوی تباهی بیشتری سوق داده آینده کشور ما را مکدر میسازد. "

در اوایل ماه جولای 2013م بود که ویکتور ایوانوف رییس اداره فدرال مبارزه با مواد مخدر روسیه، در پایتخت اطریش، پیشنهادی را به سازمان پیمان امنیت جمعی مبنی بر ایجاد یک ارگان مبارزه مشترک با مواد مخدر افغانستان ارائه نمود. ایوانوف ضمناً اظهار نمود که " عدم موفقیت در محو مواد مخدر در افغانستان، علی رغم تلاشهای دولت، اکنون یکی از نگرانی های دولت روسیه است ... رشد مرگ و میر ناشی از مصرف مواد مخدر در مسکو در سال 2012 نسبت به سال 2011 دو برابر شد و دوصد و دو نفر از شهروندان پایتخت روسیه به این علت جان خود را از دست دادند... "

به قول دکتر " جان کولمن " نویسنده کتاب " کمیته 300"، " اگر ما میتوانیم حکومت نظامی در سراسر کشور برقرار کنیم و ملیونها سرباز را به میدانهای جنگ اروپا که با ما چندان ارتباطی ندارند، اعزام داریم و قدرتهای بزرگ را به شکست بکشانیم، پس با همان شیوه ها و تاکتیکی که در جنگ دوم جهانی به کار گرفتیم ، باید بتوانیم قاچاق مواد مخدر را هم نا بود سازیم . . . پرسش اینست که چرا با توجه به پیشرفتهای قابل ملاحظه ای که امروزه در سیستم سلاحها و تجهیزات بازرسی به وجود آمده، از شکست دشمنی که به مراتب کوچکتر وضعیتر از آلمان میباشد، عاجز مانده ایم؟ دلیل واقعی ناتوانی ما در نا بود ساختن قاچاق مواد مخدر، احتمالاً اداره آن به دست خانواده های ریشه دار و بلند پایه در کشورهای گوناگون جهان است که به صورت یک شبکه بزرگ قدرتمند و پول ساز در آمده است . "

اینک، میخواهم در بخش پایانی این فصل، قسمتی از یک نوشته تحلیلی پیرامون تولید مواد مخدر را درج نمایم : که در یکی از نشریه های انترنتی افغانها به نشر رسیده است :

" ... در حضورِ چهل و هشت کشور، افغانستان در پهلوی مصایب دیگر، امروز به مرکزِ درجه اولِ موادِ مخدرهٔ جهان مبدل شده است از همه جالب تر اینکه با آمدنِ جامعهٔ جهانی، کِشتِ کوکنارشدتِ هرچه بیشترگرفت. درین هیچ جای شک نیست که نا امنی، نبودِ تحصیلات، نبودِ یک زنده گی بهتر، دلایلی است که دهقانان تریاک کشت و تولید می کنند. افغانستان بزرگترین منبع و قاچاقِ موادِ مخدر در سطح جهان بوده و نود و پنج درصد موادِ مخدر در افغانستان تولید میشود. این مواد از طریق مرزهای تاجیکستان، پاکستان و ایران به بازارهای آسیایی و اروپا یی قاچاق میگردد. براساس گزارش های اعلام شده از سوی سازمان ملل متحد، روندِ تولیدِ موادِ مخدر در افغانستان در سال 2007 میلادی به هشت هزار و دوصد تن یعنی دو برابر سال 2005 رسیده است. این درحالیست که میزانِ تولیدِ موادِ مخدر در سال 2001 یعنی در زمانِ حاکمیتِ طالبان کمتر از دوصد تن در سال اعلام شده است. معلوم نیست چرا با وجودِ شعارهای امریکا و دیگر هم پیمانانش در مبارزه با موادِ مخدر، انبارهای افغانستان طی سالهای گذشته نه تنها از وجودِ موادِ مخدر خالی نشده بلکه هنوز جوابگوی نیاز های همه کشورهای جهان است. به قولِ رادیو فرانسه: همین منبع متذکر میشود که قاچاقچیانِ موادِ مخدر بر سرزمینهای زراعتی آمده، دانه ها را در اختیار دهاقین قرار میدهند، پیشاپیش بهای محصول را می پردازند و قاچاقچیان خود،

برای حمل محصول بلا فاصله پس از برداشت، بار دیگر بر سرِ زمینها باز میگرددند. البته این در حالیست که مقاماتِ روسی براین عقیده اند که اصلی ترین علتِ وضعیتِ دشوارِ این کشور، قاچاقِ وسیع موادِ مخدر از افغانستان است که مسئولیتِ این مسئله بر دوشِ امریکاست که کنترل اوضاع در این کشور و مبارزه با این پدیده را بر عهده دارد. ویکتور ایوانوف، رییس مبارزه با موادِ مخدر روسیه گفته است که حدود پنجمد لائبراتور موادِ مخدر در ولایت بدخشان، در شمالِ افغانستان وجود دارند و برای نا بودی این لائبراتورها، به عملیاتِ مشترکِ نیرو های ناتو و روسیه نیازاست. سازمان مبارزه با موادِ مخدرِ روسیه با صدورِ اعلامیه ای گوشزد کرد که نگرانِ توزیع و انتقال از افغانستان به

روسیه و آسیای مرکزی و در نهایت به اروپا است. در این اطلاعیه آمده است که تولید هروئین در افغانستان در سال 2011 نسبت به سال 2010 بیش از دو برابر افزایش داشته است. . . . اگر در جنوب افغانستان و ولایت های هلمند و قندهار فقط خشخاش کشت میشود، اکنون در شمال این کشور و بویژه در قسمت های کوهستانی ولایت بدخشان، به مقدار زیاد هروئین تولید و توزیع میشود که به روسیه و آسیای مرکزی می آید. در این منبع همراه با اظهار تأسف، اشاره شده است که سه ولایت فاریاب و کاپیسا و بغلان نیز که در گذشته از کشت خشخاش در امان بودند، در ردیف شهر های کشت خشخاش در آمده اند. همه میدانند، اگر جامعه جهانی بخواهد، کشت مواد مخدر در مدت یک سال از افغانستان بر چیده میشود. مشفق جلال تحلیلگر سیاسی میگوید: " به نظر میرسد دوام کشت کوکنار به نفع طرف های درگیر در کشور است و جامعه جهانی علاقه مندی چندانی به تخریب کشت خشخاش در افغانستان ندارد. " به گفته جلال، محو کشت کوکنار در افغانستان با امکاناتی که دولت و نیرو های خارجی در اختیار دارند، کار مشکلی نیست. همچنین در کنار بی میلی برای از بین بردن زمین های خشخاش، علاقه بانک های بین المللی به پول کثیف بدست آمده از تولیدات این زمین ها آشکار است، چراکه تجارت مواد مخدر در کنار تجارت نفت و گاز، سهم بزرگی در تجارت جهان دارد. رییس اداره مبارزه با مواد مخدر روسیه اظهار داشت بانک های امریکا و اروپا به طور ضمنی از جریان پول حاصل از مواد مخدر استقبال میکنند. مدیر دفتر ملی سیاستهای کنترل مواد مخدر در دفتر اجرایی رییس جمهور امریکا در مصاحبه با شبکه راشا تودی گفت: ما میتوانیم چندین تن مواد مخدر را ضبط و قاچاقچیان را دستگیر کنیم، اما نیاز واقعی ما قطع بودجه این تولیدات است. معلوم است که امریکا و ناتو برای از بین بردن زمین های خشخاش افغانستان اقدامی نکرده اند و بانک های بین المللی نیز به حجم عظیم پول کثیف که در آنها در جریان است توجهی ندارند، اما کارشناسان معتقدند که وضع موجود باعث کشته شدن میلیونها نفر دیگر میشود. با وجود عملیات علیه مواد مخدر و کمپاین محو کشت کوکنار، ناتو با مبارزه بی دشوار در

افغانستان که بزرگترین تولید کننده تریاک در جهان است، روبرو است. نود درصد تریاک، یعنی ماده اولیه هیروئین در جهان، در افغانستان تولید میشود. درآمد حاصل شده از تولید قاچاق مواد مخدر در افغانستان سالانه حدود سه میلیارد دالر برآورد شده است. احديار قاضی سی و یک ساله، دوسیه های مختلفی را نظارت کرده است. به قول او یک شهروند نیجریه کیسه های کوچک هیروئین را در شکمش جاسازی کرده بود، در میدان هوایی کابل بازداشت شده است. یک راننده ایرانی تریاک را در مو ترش به مقصد ایران پنهان کرده

بود و یک کانادایی، لوازم کمیایوی را به این منظور به کشور آورده بود. این قاضی جوان میگوید: " دهقانهای فقیر غالباً وقتی خشخاش کشت میکنند که قاچاقبران خارجی پول پیش پرداخت به آنها میدهند و یا توسط طابان ترسانده میشود. " سیف الدین سیحون استاد فاکولته اقتصادی پوهنتون کابل میگوید: " خیلی از افراد و اشخاصی که در دستگاه دولت صاحب نام و نشان هستند، ثروت، سرمایه و همه هست و بود شان محصول و مولود مواد مخدر است و به همین دلیل اراده سیاسی برای مبارزه با مواد مخدر مقطعی، صوری و سطحی است. " . . . میدانهای هوایی و پرواز های اختصاصی امریکا و انگلیس از میدانهای بگرام، هلمند و قندهار و در مجموع تمام افغانستان، اصلی ترین محل های است که امر قاچاق مواد را تسهیل میکنند. بهترین ابزار برای قاچاق بی درد سر، بی شک پرواز های است که هیچ نظارت و کنترولی بر آنها انجام گرفته نمیتواند. عملاً بحث مبارزه این نیرو ها با مواد مخدر نیز منتفی است. نکته ی نگران کننده تر بر اساس گزارش اخیر سازمان ملل (یوناما و یو. ان. او. دی. سی) حدوداً شصت درصد تریاک افغانستان برای سهولت در حمل و قاچاق و تأمین نیاز بازارهای جهانی، به هیروئین و مرفین تبدیل میشود. برای این کار، نیاز به تأمین حدوداً دوازده هزار تن انواع مواد کمیایوی و غیر کمیایوی است. مهمترین ماده ی مورد نیاز برای انجام این فرایند کمیایوی، انیدرید استیک است که برای تبدیل آن میزان از تریاک به هیروئین و مرفین، نیاز به تأمین یک هزار و سه صد تن از این نوع ماده کمیایوی است. جالب اینجاست که در حال حاضر نه یک لیتر از

این ماده در افغانستان تولید و نه یک لیتر از آن در این کشور مصرف قانونی دارد. . . شگفت انگیز است که اربابان جهان قادرند یک خانه گلی و یا فرد تروریست را توسط موشکهای پیشرفته هدف قرار دهند، ولی از نابود کردن هزاران لابراتوار تولید هیروئین در افغانستان خود داری میکنند. براین اساس میتوان گفت که مواد مخدره لوکوموتیف تروریسم است که کسی آنرا در مبارزه ضد تروریسم و کسانی آنرا برای پیروزی تروریسم بکار میبرند... (209)

نگارش اثر حاضر، تقریباً رو به اختتام بود که یکبار دیگر، گزارش سازمان ملل مبنی بر چگونه گی کشت مواد مخدر در افغانستان، دروبسایت " شبکه اطلاع رسانی افغانستان" مؤرخ بیستم ماه سپتمبر 2014م به نشر رسید که ما اینک، گوشه هایی از گزارش نشر شده را در اینجا درج میکنیم :

" مقدار تولید مواد مخدر در افغانستان، طی سالهای 2012 تا 2014، از 3700 تن به 7000 هزار تن رسیده است... در سالهای 2012-2013 به ترتیب، تا 154209 هکتار زمین زیر کشت مواد مخدر رفته و پیشبینی میشود که تا پایان سال 2014، این مقدار، از 3700 تن به 5500 تن و بالاخره به 7000 تن بالغ شود. ... بیش از یک میلیون معتاد در کشور وجود دارد و اینها، سالیانه مقدار 500 تن مواد مخدر را مصرف مینمایند ... روان شناسان آگاه گفته اند که 65 درصد همسر آزاری، 25 درصد طلاق، 30 درصد کودک آزاری و 23 درصد خشونت ها ناشی از مواد مخدر میباشد و بخش اعظمی از آسیب های اجتماعی، ارتباط مستقیم با مصرف مواد مخدر دارند. "

ودرنهایت این فصل، به اعتقاد من، بسیار مفید خواهد بود هرگاه بخشهایی از تحقیقات قابل قدر دکتر " جان کولمن " را که خود، روزی در زمره کارمندان با اعتبار دستگاه جاسوسی انگلیس (ام. آی-6) بود، در اینجا درج نماییم تا روشن شود که چرا " مبارزه با مواد مخدر"، علی رغم کلیه سر و صدا ها و مخارج مالی و پولیسی و ... بازی ای بیش نیست:

" قاچاق مواد مخدر، محیط زیست مان را با تغییرات ژرفی روبرو نموده است. آنچه زیر عنوان " مبارزه با مواد مخدر" ادعا میشود، یاوه ای بیش نیست؛ زیرا واقعاً هیچ مبارزه جدی که توانسته باشد در روندِ فعالیتهای بازمانده گانِ شرکتِ بریتانیایی هند شرقی {کمپنی ای که در اواخر قرن پانزدهم و آغاز قرن شانزدهم میلادی، تحت عنوان کمپنی تجارتي دربنگال هندوستان تأسیس شد و قدم به قدم به یک کمپنی بزرگ سیاسی در منطقه مبدل گردید} خللی وارد کرده باشد، پیگیری نشده است. با استفاده از کمپیوتری کردن امور، مغزمان را شست و شو داده، دارایی های مان را به سرقت برده و توان مقاومت مان را در برابر نیرو های تغییر دهنده از میان برده اند..."

" فروش مواد مخدر با استفاده از بینوایی انسانها یکی از بدترین شیوه های پول سازی است. با یاری جستن از همین گونه شیوه ها، قاچاق به ظاهر قانونی مواد مخدر به وسیله کار خانجات دارو سازی متعلق به راکفلر {بزرگترین سرمایه دار امریکا} انجام می گیرد. بخش عمده این مواد مخدر شیمیایی در ایالات متحده، با همکاری بسیار نزدیک شرکتهای سوئسی، فرانسوی و بریتانیایی ساخته میشود... داد و ستد های شیطانی مواد مخدر و در آمد های ناشی از آن به لندن، هانگانگ، دوبی و اخیراً لبنان سرازیر میشود. "

"... در سالهای 1960، تجارت پُر سود مواد مخدر، با ترتیبات " قانونی" به بازرگانان مرگ آفرین دیگری همانند شرکت ساندوز، سازنده ال. اس. دی و هافمن لاروش، سازنده قرصهای والیوم {خواب آور} انتقال یافت. هزینه مواد اولیه تولید والیوم برای شرکت هافمن لاروش 3 دالر در کیلو گرام میباشد. در حالیکه به توزیع کننده گان آن، هر کیلویی 20000 (بیست هزار دالر) فروخته میشود. والیوم تا زمانیکه به دست مصرف کننده برسد، کیلویی 50000 (پنجاه هزار دالر) قیمت پیدا میکند."

" اخیراً تریاک با کیفیت بالای پاکستان از طریق ماکرا و به وسیله کشتیهای باربری که به مقصد دوبی بارگیری میکنند، به این کشور وارد شده و با طلا مبادله میگردند. همین

طریق، برای حمل هرویین که در کشور های ماورا اقیانوس طرفداران زیادی دارد، مورد استفاده قرار میگیرد... تریاک پاکستان به میزان تریاک مثلث طلایی "چین" یا هلال طلایی، فروش ندارد. بدین جهت تولید هرویین قلابی از اینگونه تریاک، رو به افزایش است و بعنوان جانشین کوکابین، تهدید جدی برای بازار آن تلقی میگردد. احتمال دارد هرویین ساخت پاکستان به علت ارزانی در کشور های ما ورا اقیانوس مقام نخست فروش را به دست آورد... داستانهای شجاعانه ای که در باره بر خورد های تنگه خبیر بر سرزبانهاست، بیشتر با تجارت تریاک پیوند دارد. استقرار ارتش بریتانیا در بندیهایی خبیر، { ازسوی مقام هند برتانوی دیروز} تنها برای حفاظت کاروانهای تریاک خام بوده که اغلب مورد دستبرد قبایل کوه نشین قرار میگرفته است ..."

" مشکل مواد مخدر اکنون می رود که به صورت یک معضل اجتماعی یا بهداشتی همگانی خود نمایی کند. تأثیر این مشکل به گونه ای تازه و غیر قابل حل، در روند حاکمیت ملی و حتی در امنیت ملی کشور ما انعکاس یافته است. مشکل مواد مخدر در همه جا استقلال ملی را مورد تهدید قرار داده است. همه جنبه های مواد مخدر از تولید و فروش و مصرف با خدشه دار کردن اخلاق، دین، زنده گی سیاسی و ارزشهای جمهوریت، هویت ملی ما را تحت تأثیر قرار داده است ... "

وبالآخره، " ازکولمبیا تا میامی، از مثلث طلایی تا دروازه طلایی، از هانکانگ تا نیویارک، از بوگاتا تا فرانفکورت تجارت مواد مخدر و به ویژه تجارت هرویین، داد و ستد بزرگ و پر سودی را تشکیل میدهد که به وسیله خانواده های " غیرقابل دسترس" که حد اقل یک نفر آنان در کمیته 300 عضویت دارند، به شیوه از بالا به پایین اداره میشود. ... "

(ادامه دارد)

